

## Kashif al-Ghita' and the Subject of Palestine Aspects and Resolutions

Sayyed Javad Varaei<sup>1</sup>  
Sayyed Amin Varaei<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Social Law and Jurisprudence, Research Institute for Hawzah & University, Qom, Iran. (*Corresponding Author*). [jvarai@rihu.ac.ir](mailto:jvarai@rihu.ac.ir)
2. Graduate of Islamic Seminary, Masters student, public rights, Farabi Campus - University of Tehran, Qom, Iran. [sa.varaei@gmail.com](mailto:sa.varaei@gmail.com)

**Received:** 28 May 2018; **Accepted:** 29 January 2019

### Abstract

The purpose of the present study is to survey the ideas of Allameh Muhammad Hussein Kashif al-Ghita' about various aspects of the subject of Palestine and guidelines to resolve that issue. The results of the research conducted by descriptive-analytical method based on discourse analysis reveals that Kashif al-Ghita' had delved deep into the catastrophe in Palestine by giving his historical speech in Jerusalem, participation in conferences, writing articles, and giving fatwa about putting a ban on selling lands to the Jews. In his view, the issue of Palestine has historical, religious, social, and international aspects and it has been a historical land for the Arabs so they defend it as their ancestral homeland. In religious geography, Kashif al-Ghita' considered Palestine as the heart of Muslim world, and Jerusalem as the trust of God in the hand of Muslims which should be maintained. In his opinion, Zionism is the result of colonialism. He held that the resolution to the issue of Palestine depends on international attention to human right in that country, Islamic revival. Return to Islamic identity, Islamic unity, coalition among Arabic-Islamic governments, and rejecting colonialism.

**Keywords:** Kashif al-Ghita', Palestine, Zionism, Jerusalem (Quds), Islamic Revival, Jews, Arabic Countries

## کاشف الغطاء و مسئله فلسطین ابعاد و راهکارها

سید جواد ورعی<sup>۱</sup>

سید امین ورعی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق و فقه اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول). [jvarai@rihu.ac.ir](mailto:jvarai@rihu.ac.ir)  
۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، پردیس فارابی (تهران)، قم، ایران.  
[sa.varaei@gmail.com](mailto:sa.varaei@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه علامه محمدحسین کاشف الغطاء پیرامون ابعاد گوناگون مسئله فلسطین و راهکارهای حل آن بود. نتایج این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر تحلیل گفتمان انجام شد حاکی از آن است که کاشف الغطاء از ابتدا به عمق فاجعه در موضوع فلسطین پی برده و با ایراد سخنرانی تاریخی در قدس، شرکت در کنفرانس‌ها، نگارش مقالات و صدور فتوای تحریم فروش اراضی به یهودیان ایفای نقش کرد. از دیدگاه وی مسئله فلسطین، دارای ابعاد تاریخی، دینی و مذهبی، سیاسی-اجتماعی و بین‌المللی است. فلسطین، سرزمین تاریخی اعراب بوده، و دفاع فلسطینیان، دفاع از سرزمین اجدادی است. کاشف الغطاء در جغرافیای دینی، فلسطین را قلب جهان اسلام و قدس را امانت خدا در دستان مسلمانان می‌دانست که باید حفظ شود. از نگاه وی صهیونیسم زائیده استعمار است. او حل مسئله فلسطین را در گرو توجه حقوق بشری و جهانی به موضوع فلسطین، بیداری امت اسلامی، بازگشت به هویت اسلامی، بسیج امت اسلامی و اتحاد دولت‌های عربی و اسلامی و دوری از استعمارگران می‌دانست.

واژه‌های کلیدی: کاشف الغطاء، فلسطین، صهیونیسم، قدس، بیداری اسلامی، یهودیان، کشورهای عربی.

## ۱. مقدمه

از نظر علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء عالم شهیر نجف، یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای اسلام، مسئله فلسطین بود. مسئله‌ای که پیوسته دربارهٔ ابعاد مختلف و چگونگی حل آن تأمل می‌کرد. از آنجا که کاشف الغطاء از هوش و درک سیاسی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، از ابتدا به عمق فاجعه‌ای که در فلسطین در شرف وقوع بود، پی برده و در موقعیت‌های گوناگون عکس‌العمل مناسبی داشت. در این نوشتار برآنیم تا علل و عوامل حساسیت زیاد او در این ماجرا را از لابه‌لای نوشته‌ها و گفته‌های وی به دست آوریم.

سؤال اصلی و اساسی در این پژوهش «ابعاد گوناگون مسئله فلسطین و پی بردن به علل و عوامل آن، و راهکارهای حل این مسئله با تکیه بر نظرات و آراء علامه کاشف الغطاء» است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده، ابتدا دیدگاه کاشف الغطاء در ابعاد مختلف مسئله فلسطین مطرح شده، سپس به راهکارهایی برای حل مسئله پرداخته شده است.

## ۲. ابعاد مسئله فلسطین

موضوع فلسطین سال‌ها است که جزء اصلی‌ترین مسائل جهان اسلام می‌باشد. این مسئله دارای ابعاد و ریشه‌های گوناگون و مختلفی است که در این بخش به بررسی ابعاد آن در کلمات و آراء محمدحسین کاشف الغطاء می‌پردازیم.

### ۲-۱. بعد تاریخی (فلسطین، سرزمین تاریخی اعراب)

کاشف الغطاء پیوسته به این نکته توجه می‌داد و در احتجاج با دشمنان بدان استناد می‌کرد که فلسطین سرزمین کهن و تاریخی اعراب است. در پیغامی به ترومن،<sup>۱</sup> نامزد ریاست جمهوری آمریکا، نوشت:

«مردم آمریکا و همه ملل عالم می‌دانند که صهیونیسم حقی در فلسطین ندارد. آنجا

---

1. Truman

از زمان بابلیان و حمورایی تا امروز حق عرب است. تنها در مقطعی کوتاه یهود ابرهه در زمان پادشاهان بنی اسرائیل وارد آنجا شد و سپس رومی‌ها از آنان گرفتند و عرب از آنان ستاند و چهارده قرن است که در دست اعراب می‌باشد<sup>۱</sup> (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳ق: ص ۱۸).

از نگاه وی دفاع اعراب از فلسطین، دفاع از سرزمین تاریخی و آباء و اجدادی آن‌ها، حتی پیش از ظهور اسلام است. ماجرای فلسطین تنها یک مسئله دینی نبود تا گفته شود: «مسلمانان به خاطر مسجد الاقصی که قبله اول آن‌ها است، به آن تعلق خاطر دارند، در حالی که پیش از آنان بنی اسرائیل در این سرزمین زندگی می‌کردند»، بلکه این تعلق، به قبل از ورود بنی اسرائیل و اقامت موقت آنان در این سرزمین بازمی‌گردد.

افزون بر آن، فلسطین، مسئله یهودی و مسلمان نیست، بلکه مسئله «صهیونیسم و نژادپرستی» است که فارغ از اعتقادات دینی، به دنبال ریشه‌کن کردن ملت فلسطین، اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی و جایگزین کردن نژادپرستان است. کاشف‌الغطاء درباره «تفاوت یهود و صهیونیسم»، یهود را «دینی از ادیان الهی» شمرده که به رابطه خالق و مخلوق می‌پردازد و به واسطه یکی از پیامبران اولوالعزم، آورنده قوانینی است که از ظلم و تجاوز برحذر می‌دارد؛ در حالی که صهیونیسم، «جمعیتی سیاسی» بوده که به دنبال ایجاد حکومتی قومی است، بی آن‌که به عدالت و قانون پایبند باشد، بلکه اساس آن بر ظلم، تجاوز و گرفتن حق دیگران استوار است. این جمعیت هیچ ارتباطی با خدا ندارد (کاشف‌الغطاء، ۱۴۰۱ق: ص ۴۸ - ۴۹).

## ۲-۲. بعد دینی و مذهبی (قدس، امانت خدا)

از نظر شیخ، افزون بر بعد انسانی مسئله فلسطین، قدس و مسجد الاقصی امانت الهی در دست مسلمانان است که باید به خوبی از آن نگهداری کنند. به همین جهت، در پاسخ به یک استفتاء،

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مجید صفا تاج، سرزمین بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین؟!، انتشارات آرون، ۱۳۸۳.

خطاب به مسلمانان می نویسد:

«ای مسلمانان! مسجد الاقصی و آنچه در آن از آثار و میراث اسلامی و مفاخر عربی و بناهای شگفت انگیز و عبادتگاه‌های شریف و منزلگاه‌های مقدس به جای مانده، همگی ودیعه‌های گذشتگان به آیندگان و امانت‌های الهی نزد شما است، پس به خداوند و امانت‌هایی که نزد شما است، خیانت نکنید» (کاشف الغطاء، ۱۴۱۴ق/ب: ص ۱۹۰).

او حفظ و حراست از این اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها را بر هر مسلمانی بلکه بر مردم فلسطین که دل در گرو آیینی الهی دارند، واجب دانسته و معتقد بود کسانی که به عبادت خداوند ایمان دارند، در قبال قدس مسئول می‌باشند.

قرآن کریم، فلسفه تشریح دفاع از خود، مرام و عقیده را حفظ و حراست از عبادتگاه‌های انسان‌ها دانسته است، چرا که اگر دفاع مشروع به عنوان یک حق انسانی به رسمیت شناخته نشود، هیچ معبدی از تعرض متجاوزان مصون نخواهد ماند.<sup>۱</sup> به همین دلیل، تعرض به معابد در جنگ، از نظر فقهی نارواست (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، ص ۱۸۸؛ منتظری، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۷۴).

### ۳-۲. بعد سیاسی - اجتماعی (فلسطین، قلب جهان اسلام)

کاشف الغطاء از نقطه نظر دینی و جغرافیای سرزمین‌های اسلامی نیز به مسئله فلسطین می‌نگریست. از این زاویه فلسطین را «قلب جهان اسلام» معرفی می‌کرد، چرا که بین عقبه و شرق اردن، و بین عدن و یمن، و بین مصر و حجاز قرار دارد و همه سرزمین‌های اسلامی از هر طرف آن را احاطه کرده‌اند. دقت نظر و ذکاوت او موجب می‌شد تا به موقعیت جغرافیایی فلسطین و

۱. «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعَ وَ بِيَعٍ وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدٍ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...؛ همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدا است و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد،...» (حج، ۴۰).

نسبت آن با سرزمین‌های اسلامی توجه کند. به همین دلیل مثل صهیونیسم در نظر او همان مثل میکروب سل است که همه پیکر انسان را از طریق اعضای اصلی آن یعنی ریه و قلب فرا می‌گیرد و او را نابود می‌کند. لذا، باید هرچه سریع‌تر جلوی این جرثومه فساد گرفته شده و از بین برده شود.

از این رو، غضب فلسطین را آغاز جنگ صلیبی دیگری علیه اسلام و مسلمانان می‌دانست و همواره روشنفکران، علما، مردم و سران دولت‌های اسلامی را از این خطر پیش از آنکه علنی شده و بر سر زبان‌ها بیفتد، بیم می‌داد. ایشان در یک سخنرانی با اشاره به تلاش‌های مستمرش در ماجرای فلسطین و سفر به قدس معتقد است که مسئله صهیونیسم اختصاص به فلسطین ندارد، بلکه همه جهان عرب و مسلمانان را در بر می‌گیرد. به همین جهت همه باید با تمام توان خود در برابر آن ایستادگی نمایند:

«بر هر عرب و هر مسلمانی که کمترین درک و شعوری داشته باشد و اهل غیرت نسبت به قوم و سرزمینش باشد، واجب است آنچه در توان و قدرت از مال و زبان و جان دارد، در راه مقاومت و دفاع از فلسطین در برابر فکر خبیث ایجاد وطن قومی برای یهود در فلسطین به کار گیرد، نه برای برادران مسلمانش جانبازی‌اند - بلکه چون هدف دشمن ضربه زدن به همه اعراب است و عرب فلسطینی فقط سپر بقیه شده؛ بر ما واجب است که با آنان مشارکت نموده و همراه آنان بپا خیزیم، نه فقط برای مساعدت و یاری آنها، بلکه برای دفاع و حمایت از جان و سرزمین و وطن خودمان» (کاشف الغطاء، ۱۴۱۴ق/الف: ص ۱۹۱-۱۹۲)

کاشف الغطاء از هر فرصتی استفاده کرده، پرده از توطئه خطرناک استعمارگران در غضب فلسطین برمی‌داشت. پرده تزویر استعمارگران با شعار «سرزمین بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین» را کنار زده و نشان داد که مقصود اصلی از غضب فلسطین، یک سرزمین محدود به قلمرو جغرافیایی نیست، بلکه هدف اصلی، اسلام است، اما چون فلسطین نقطه مرکزی پیروان اسلام می‌باشد، مورد طمع قرار گرفته و آغازی برای تجاوز به سایر سرزمین‌های اسلامی

شده است.

## ۲-۴. بعد بین‌المللی (صهیونیسم، ولیده استعمار)

نکته مهم دیگر در نگرش کاشف‌الغطاء به ماجرای فلسطین، توجه به قدرت پشت صحنه تفکر نژادپرستانه صهیونیسم بود. از نظر او فلسطین، صرفاً غصب یک سرزمین از سوی پیروان آیین یهود به منظور نجات از آوارگی نیست، بلکه صهیونیسم ابزاری است که استعمارگران برای شکست اسلام و مسلمانان و سیطره بر سرزمین‌های اسلامی ساخته و پرداخته‌اند. استعمارگران در هر زمانی از ابزارهای خاصی برای به زنجیر کشیدن ملت‌ها استفاده می‌کنند. در قرن بیستم نیز به منظور شکست قدرت مسلمانان و تسلط بر شئون مختلف آنان و جلوگیری از اعاده مجد و عظمت اسلامی، یهودیان آواره را بهانه‌ای برای اهداف استعماری خود قرار داده‌اند و الاً برای اسکان آنان نیازی نبود این همه هزینه کنند و فلسطین را غصب نمایند، بلکه می‌توانستند آنان را در اروپا و آمریکا اسکان دهند.

شیخ، توسط «گروه مجلس تعلیم آمریکایی» که به نجف آمده و جویای شیوه‌های تعلیم و تعلم در حوزه‌های علمیه شده بودند و با او ملاقات کردند، به «ترومن» نامزد ریاست جمهوری آمریکا پیغام داد که «صهیونیست‌ها را در دامن خود و نه در سرزمین فلسطین جای دهد» (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳ق: ص ۱۸). چنان که این فقیه بزرگوار در نامه‌ای ضمن گلایه از وضعیت مسلمانان، خطاب به آمریکایی‌ها نوشت که اگر آمریکا می‌خواهد به صهیونیست‌ها کمک کند آنها را در دامن خود بگیرد و در سرزمین خود از آنها حمایت نماید و آنان را با سرخ‌پوستان در یکجا اسکان دهد، نه اینکه با آواره ساختن یک ملت و غصب اماکن مقدس آنان آرزوی خود را جامه عمل بپوشاند (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۷ق: ص ۳۴).

اینکه کاشف‌الغطاء در ماجرای فلسطین، انگلیس و آمریکا را متهم ردیف اول دانسته و آنان را مخاطب قرار می‌داد، نشان می‌دهد که به ریشه‌های اصلی مسئله فلسطین پی برده و خواهان حل ریشه‌ای آن بود. وی تلاش می‌کرد تا دولت‌ها، نخبگان و روشنفکران جهان اسلام را از اشتباه به در آورد که مبدا برای نجات فلسطین از چنگال صهیونیسم، به دامان آمریکا و اروپا متوسل شوند.

### ۳. راهکارهای آزادی فلسطین

از نظر کاشف الغطاء مشکل فلسطین قابل حل است، اما نیازمند همت، غیرت و احساس مسئولیت انسانی و اسلامی مسلمانان می‌باشد. به اعتقاد وی، حلّ این معضل به عواملی چند بستگی دارد که در این بخش بدان می‌پردازیم.

#### ۳-۱. توجه حقوق بشری و جهانی به فلسطین

از نگاه کاشف الغطاء، فلسطین مسأله‌ای اسلامی یا عربی نیست، بلکه مسئله‌ای «انسانی» است. از این رو جهاد برای آزادی فلسطین را نه تنها بر عرب و مسلمان، بلکه بر هر انسانی واجب می‌دانست (کاشف الغطاء، ۱۳۵۷ق: ص ۲). به همین دلیل کاشف الغطاء در سخنرانی‌ها و وصایای خود درباره فلسطین و مردم آن دیار، «بشریت» و نوع انسان را خطاب سخنان خود قرار می‌داد (کاشف الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۵۵). وی معتقد بود برای نجات فلسطین، باید هر مسلمان، هر عرب و هر انسانی هرچه توان دارد به میدان آورد. از این رو در نامه‌ای که به «جمعیت دفاع از فلسطین» در بغداد ارسال کرد، نامه را با عبارات «اینها الاسلام!»، «اینها العرب!» و عبارت «لا بل اینها الناس!» و یا «اینها البشر» آغاز نمود.

در واقع این فقیه آگاه به زمان خود، به ماجرای فلسطین از «بعد انسانی» و «حقوق بشری» می‌نگریست تا توجه جامعه جهانی را برانگیزد و از این طریق بتواند هم مسئله فلسطین را در صدر اخبار دنیا نگاه دارد، هم از مردم آزاده دنیا - و لو غیرمسلمان - برای آزادی فلسطین کمک بگیرد و هم جنایات صهیونیسم و استکبار را برای همه جهانیان آشکار کند و اهداف شوم آنان در مسئله فلسطین را برملا سازد.

#### ۳-۲. بیداری امت اسلامی

کاشف الغطاء بروز مشکلاتی چون قضیه فلسطین را معلول غفلت، خمودی و سستی مسلمانان می‌دانست. وی معتقد بود اگر ملتی بیدار باشد، دشمن هرگز نمی‌تواند چنین ضرباتی بر پیکر او وارد کند. امت اسلامی گرفتار مشکلات و مصائبی است که «اختلاف و دشمنی»، «کینه و حسد»، «سستی و خواب‌آلودگی»، «فرو رفتن در عیش و عشرت»، «وابستگی به دنیا» و «ابتلاء به



دولت‌مردان نالایق» بخشی از آنها است. از این رو، ایشان عمرش را صرف ایجاد موج بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی نمود. همت والا، موقعیت خانوادگی و اجتماعی، شجاعت و جسارت و تشخیص درست مصالح امت اسلامی از جمله ویژگی‌های او بود که توانست در این راه خدمات ارزنده‌ای انجام دهد؛ اما افسوس که عرصه تأثیرگذاری وی محدود بود. نه مرجعیتی عام و فراگیر داشت تا بتواند از نفوذ مرجعیت استفاده کند و موجی انسانی به راه اندازد، و نه از قدرت سیاسی و ابزار حکومتی برخوردار بود که بتواند از اهرم قدرت استفاده نماید. به همین جهت، تنها از دو ابزار «قلم» و «بیان» بهره می‌جست و از انجام رسالت الهی خویش دریغ نمی‌ورزید. از این که امت اسلامی هم‌چنان گرفتار خمودی و غفلت است، رنج برده و گلایه می‌کرد، اما بی‌تردید در پرتو مجاهدات او نسلی بیدار شده و به حرکت درآمدند. موقعیت امروز مسلمانان در کشورهای اسلامی و جامعه جهانی با عصر کاشف‌الغطاء یکسان نیست، هرچند مشکلات فراوانی، هم‌چنان باقی است، چرا که راه حلّ او و بسیاری از مصلحان اجتماعی، یعنی وحدت اسلامی هنوز جامه عمل نپوشیده است.

سفر تاریخی به قدس و ایراد سخنرانی در مسجد الاقصی و اقامه نماز جماعت ده‌ها هزار نفری به امامت وی و تکریم او از جانب علمای شهیر اهل سنت از جمله اقدامات او در راه آرمان فلسطین است.

شیخ از این که بنی اسرائیل آواره در زمان او متحد شده‌اند و مسلمانان، متفرق و پراکنده‌اند، رنج می‌برد و خواستار اعاده‌ی مجد و عظمت اسلام و مسلمانان بود و این مهم بدون «بیداری امت اسلامی» امکان‌پذیر نبود. سخنرانی‌ها و مقالات متعدد کاشف‌الغطاء و محاکمه استعمارگران آمریکایی و انگلیسی در موقعیت‌های مختلف و حتی در دیدار مستقیم سفرای این دو کشور در عراق، با هدف بیدار کردن ملت‌های مسلمان به ویژه ملت مسلمان عراق صورت می‌گرفت. ایشان در دیدار سرجان تروتبیک<sup>۱</sup> سفیر انگلیس در عراق در ۲۷ محرم ۱۳۷۳ ق دربارہ کمونیسم، اسرائیل

---

1. Sirjan Trotbick

و مسائل دیگر گفتگو کرد. کاشف‌الغطاء جنایت‌های انگلیس در جهان را به او گوش زد کرد. سفیر که درمانده بود، به گمان اینکه کتاب‌های موجود در کتابخانه شیخ درباره فقه، اصول، تفسیر، حدیث و دیگر علوم اسلامی است که در آنها اسمی از انگلیس هم نیامده است، می‌پرسد: «آیا در این کتابخانه بسیار بزرگ شما که هزاران جلد کتاب در آن هست، کتابی علیه ما وجود دارد؟» کاشف‌الغطاء در جواب فریاد برمی‌آورد: «کتاب که چیزی نیست، قلب‌های همه ما علیه شما است. از دل یکایک ما به خاطر نیزه‌ای که شما به جهان عرب زدید، خون می‌چکد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳ق: ص ۱۰).

کاشف‌الغطاء در عین حال از خطراتی که در کمین مسلمانان بود، غافل نبوده و آنان را بیم می‌داد. جوانان مسلمان را نصیحت می‌کرد که مبدا گرفتار امواج طوفانی کمونیسم شوند که در آن صورت تعادل قوای جهانی پیچیده‌تر شده و به غربی‌ها بهانه خواهد داد که نهضت مقاومت ملی و اسلامی را با اعمال زور و خشونت درهم بشکنند و آنان را به ترویج کمونیسم متهم نمایند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۳۳: ص ۲۲).

کاشف‌الغطاء گاه مردم، گاه دولت‌مردان، گاه زعمای قوم، گاه رؤسای عشایر و گاه ارباب قلم و سخن را مخاطب قرار داده و از دردهای مسلمین می‌گفت تا شاید این امت به خواب رفته بیدار شود. وی بر این باور بود که اگر یک چهارم مسلمانان عصر او - در حالی که کل مسلمانان بالغ بر چهارصد میلیون نفر بودند - کمترین علامت مسلمانی را هم داشتند و اموالی را که در جشن‌ها برای چراغانی، خورد و خوراک و امثال آن خرج می‌کنند، برای مردم مظلوم فلسطین مصرف می‌کردند، فلسطین می‌توانست مقاومت کند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۱۴-۱۵).

### ۳-۳. بازگشت به هویت اسلامی

کاشف‌الغطاء دردهای مسلمانان در بلاد اسلامی را «معلول استعمار آنان از سوی بیگانگان» شمرده و رهایی از آن را در پرتو «بازگشت به قرآن و هویت اسلامی» امکان‌پذیر می‌دانست (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۵۲-۵۳). در آخرین وصیّت و نصیحت خود گفت:

«ای بشر! بر شما باد عمل به قرآن، در رجوع به قرآن سلامت و سعادت شما نهفته

است و اگر مردم بدان عمل کنند و اگر دولت‌ها به تعالیم آن پایبند باشند، بشر از این جنگ و تجاوز راحت شده و هر کسی حد و حق خود را خواهد شناخت. بر شما باد قرآن، آن را محور وحدت اسلامی قرار دهید و از اختلافات مذهبی و نزاع‌های قبیله‌ای و گروهی بپرهیزید. هر جماعتی در فروع دین به مذهب خود عمل کند، بدون آن که به جدال و دشمنی بپردازد. آرزو و هدف نهایی، تشکیل حکومت و امتی واحد باشد و حکومت مانند پدری نیکوکار برای مردم بوده و مردم فرزندان باشند که حکومت را یاری می‌کنند» (کاشف الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۵۵).

او گاه مردم، زعما و رهبران دولت‌های اسلامی را به یاد افتخارات گذشته و مجد و عظمت تمدن بزرگ مسلمانان می‌انداخت و اعاده آن را شایسته امت اسلامی می‌شمرد. غیرت و حمیت عربی - اسلامی را یادآوری می‌کرد تا شاید دل‌ها بلرزد، قلم‌ها و قدم‌ها به حرکت درآید و مسلمانان یاد واحده شوند. گاه از تعالیم آسمانی و قرآنی برای مردم بازگو می‌کرد، آموزه‌های دینی را گوشزد می‌نمود و این که چرا از عوامل عزت، شرافت و بزرگی خود فاصله گرفته و از سلف صالح خود که با اخلاص و مجاهدت و تمسک به قرآن بر جهان حکومت می‌کردند، الگو نمی‌گیرند (کاشف الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۱۴-۱۵).

شیخ، از وضعیت مدرسی که عهده‌دار تعلیم و تربیت جوانان مسلمان شده‌اند، گلایه داشت که جوانان مشرق زمین را به قشری بی‌مغز و اجساد بی‌روح تبدیل می‌کنند و از چنین موجوداتی نمی‌توان انتظار صلاح و اصلاح داشت.

کاشف الغطاء در بازگرداندن مسلمین به هویت اسلامی‌شان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزید. در اینجا به یک نمونه از این تلاش‌ها اشاره می‌کنیم:

«جمعیت اخوت اسلامی کراچی» با دعوت از هفده تن از شخصیت‌های برجسته اسلامی در بهمن ماه ۱۳۲۸ جلسه‌ای تشکیل داد و در این جلسه پیشنهاد تشکیل «کنگره جهان اسلام» مطرح شده و مورد موافقت قرار گرفت. در سال ۱۳۲۹ نخستین دوره این کنگره با حضور ۳۶ کشور و به

ریاست «حاج امین الحسینی»، مفتی اعظم فلسطین و «شمس الرجال» نماینده مسلمانان اندونزی و «عمر رضا کفرل» از ترکیه در شهر کراچی پاکستان برگزار شد. دومین دوره این کنگره در بهمن ماه ۱۳۳۰ در کراچی و با حضور «حاج امین الحسینی» از فلسطین و «شیخ محمدحسین کاشف الغطاء» از عراق برگزار شد. کاشف الغطاء در این اجلاس به ایراد سخن پرداخته و با اشاره به جاهلیت بشر قبل از ظهور اسلام و بیان نمونه‌هایی از مظاهر جهل بشر، خدمتی را که اسلام با آموزه‌های خود مانند «توحید» و «مساوات مردم در برابر قانون» به بشر نمود، تشریح کرد. آنگاه مواردی از سیاست عادلانه حکومت اسلامی در صدر اسلام را بازگو نموده، به تشریح وضعیت اسفبار مسلمانان در عصر حاضر پرداخت. وی تاریخ مسلمانان را مسیحی و زرتشتی دانست و با ذکر مواردی مانند تعطیل کردن روز یکشنبه، سخن گفتن به زبان انگلیسی توسط اکثر مسلمین، بیگانه بودن آنان با زبان عربی و لغت قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) به این نکته پرداخت که ما مسلمانیم، ولی آن طور که کارهای شخصی را مهم می‌دانیم، هیچ یک از امور دینی خود را مهم نمی‌شماریم (کاشف الغطاء، بی تا: ص ۱۲).

### ۳-۴. بسیج امت اسلامی

هدف کاشف الغطاء از بیدار کردن امت اسلامی، بسیج آنان برای حمایت از فلسطین بود، چون تا مسلمانان بیدار نشوند، حمایت از برادران مسلمان خود را وظیفه انسانی خود قلمداد نخواهند کرد.

وی موسم حج را بهترین فرصت برای بیدار کردن مسلمانان در اقصی نقاط جهان و بسیج آنان برای حمایت از فلسطین می‌دانست. با توجه به مشکلات ارتباطی آن روز، موسم حج، میعادگاه مسلمانان از اقصی نقاط جهان، فرصتی طلایی به شمار می‌رفت.

به رغم سفرهای متعدد شیخ به کشورهای اسلامی و حضور در جمع علما، نخبگان، روشنفکران و توده‌های مردم و ایراد سخنرانی، نگارش کتب، مقالات و ارسال آن‌ها برای دانشمندان و نویسندگان در نقاط مختلف دنیا، می‌دانست که دامنه بُرد چنین فعالیت‌هایی محدود است. از این رو، در اندیشه یافتن فرصت‌های جدید و راه‌های نو برای زنده نگاه داشتن آرمان

فلسطین و رساندن فریاد مظلومیت مسلمانان در کشورهای تحت سلطه بیگانگان به گوش مردم بود. در همین راستا نظرات فقهی جدیدی را از مدارک شرعی استنباط نموده، در معرض همگان قرار داد:

۱. بر حجاج بیت الله الحرام واجب است بعد از ادای مناسک حج عازم فلسطین شده و حج خود را با زیارت بیت المقدس کامل کنند. بدین ترتیب با زیارت مسجدالحرام تا مسجد الاقصی از حج خود، حظّ وافری برند.

۲. با برادران مسلمان و عرب خود تجدید پیمان کرده و به آنان قوت قلب و آرامش دهند.

۳. برادران مسلمان را در فلسطین با انفاق‌های مالی خود یاری کرده و در دل دشمنان تروریست آنان رعب و وحشت اندازند.

هم‌چنین پیشنهاد اجتماع در قدس را در ایام مشخصی ارائه داد تا مسلمانان از اقصی نقاط جهان به این مکان شریف سفر نموده و در آن حضور یابند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۷ق: ص ۳۹۶). در واقع هدف کاشف الغطاء از این فتاوا و ارائه این پیشنهاد، بسیج امت اسلامی در برابر صهیونیسم بود. او با حضور خود در قدس در سال ۱۳۵۰ق و مشاهده اجتماع مسلمانان، نخبگان، روشنفکران، نویسندگان و علمای جهان اسلام، عزت و عظمت مسلمین را از نزدیک مشاهده کرده و دستاوردهای چنین اجتماع عظیمی را می‌دانست. او در گزارشی که برای علامه شرف‌الدین عالم شهیر لبنانی نوشته، از استقبال کم‌نظیر مسلمانان از وی به عنوان یکی از علمای تشیع و حوزه علمیه نجف و تکریم وی از سوی عالمان اهل سنت سخن گفته و اموری را که در این اجتماع شریف مطرح نموده و خواستار حل آن شده، بدین شرح بازگو کرده است:

۱. بازگرداندن حجاز به مسلمانان.

۲. حفظ و حراست از اماکن مقدس مسلمانان.

۳. ایجاد جامعه و تشکّل اسلامی.

۴. گسترش دعوت اسلامی و ارشاد و هدایت مردم.

۵. ارتباط هرچه بیشتر مسلمانان در بلاد مختلف (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۴۲۷ق: ص ۳۸ - ۳۹).

آن‌گاه با اشاره به خطر صهیونیسم برای جهان عرب و اسلام، جهاد در راه آزادی فلسطین را بر هر انسانی به حکم «وجدان و ندای ضمیر»، نه فقط بر عرب و مسلمان، آن هم نه به حکم «شرایع»، واجب شمرد. او از همه دعوت کرد تا هر که می‌تواند به فلسطینی‌ها ملحق شود و تضمین داد که ملحق‌شدگان همگی مانند مجاهدان در رکاب پیامبر(ص) در جنگ بدر خواهند بود. وی در ادامه از آنان که توانایی پیوستن به صف مجاهدان فلسطینی را ندارند، خواست تا کمک‌های مالی خود را به آن سرزمین ارسال کنند و اگر از عهده چنین کاری هم برنمی‌آیند، با زبان و قلم و هرچه می‌توانند آنان را یاری نمایند. به اعتقاد وی مسئله فلسطین، «قضیه مرگ و زندگی عرب است». به همین خاطر اهتمام و حساسیتی ویژه به آن داشت (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۴۲۷ق: ص ۴۰ - ۴۲).

وی با آنکه بیش از شصت سال از عمرش سپری شده بود، در همین نامه آمادگی خود را برای سفر به سرزمین فلسطین اعلام می‌کند.

هنگامی که دول عربی با صهیونیست‌ها اعلام جنگ کردند، کاشف الغطاء با قلم و بیان خود به تهییج، تشویق و بسیج مسلمانان به ویژه مردم عراق پرداخت و آنان را به حضور در میدان‌های جنگ و در صورت ناتوانی به حمایت مالی و تجهیزاتی فراخواند.<sup>۱</sup>

### ۳-۵. اتحاد دولت‌های عربی و اسلامی

کاشف الغطاء یکی از گرفتاری‌های جهان اسلام را دولت‌های عربی و اسلامی می‌دانست که وظایف خود را به درستی نمی‌شناسند یا بدان عمل نمی‌کنند. به مصالح ملت خود، اسلام و مسلمین توجهی ندارند و با یکدیگر نزاع می‌کنند. ایشان معتقد بود پادشاهان عرب، به خاطر خیانتشان به آرمان فلسطین پیشانی عرب را سیاه کرده‌اند (کاشف الغطاء، ۱۳۷۰ق: ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۵). هرچند او یکی از علل وضعیت موجود را توطئه‌های استعماری بر ضد مسلمانان

۱. فتوای حمایت از فلسطین در تاریخ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۶۶ق.

ارزیابی می‌کرد که سرسپردگان خود را در کشورهای اسلامی به قدرت رسانیده تا به جای منافع امت اسلامی، منافع آنها را تأمین کنند، اما از هر فرصتی برای ارشاد، پند و نصیحت و گاهی شماتت آنان استفاده می‌کرد. باور داشت که ریشه درد، «حکومت‌های عربی» است که باید ابتدا آنها را درمان کرد. وی معتقد بود اگر غیرت و حمیتی در آنان می‌بود، این ذلت و خفت را که مشتی صهیونیست قلب سرزمین‌های اسلامی را غصب کرده‌اند، تحمل نمی‌کردند (کاشف الغطاء، ۱۳۹۷ق: ص ۱۵).

کاشف الغطاء در یکی از فتاوی خود در قضیه فلسطین با اشاره به اینکه «دوران فتوا دادن و سخن گفتن» به سرآمده و امروز «دوران عمل و اقدام» است و عمل جز آمادگی نظامی نیست، «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۰)، از اینکه تاکنون درباره فلسطین جز اجتماعات، احتجاجات، سخنرانی‌ها و مقالات نبوده، اظهار تأسف کرده و خواستار اقدامات عملی می‌شود. وی می‌گوید باید همت مسلمانان برانگیخته شود و شاهان عرب از خواب و مدهوشی بیدار شوند، زیرا اگر امروز استعمارگران بر بیت المقدس و عبادتگاه‌ها و مشاهد و آثار تاریخی آن که همگی عربی و اسلامی‌اند، مسلط شده‌اند، چنانچه صاحب سرزمین فلسطین شوند و آثار و قبور آن را منهدم نموده و نور آن را خاموش کنند، بدون شک فردا بر سرزمین‌های دیگر اسلامی هجوم برده و مالک آنها خواهند شد و شاهان آن کشورها را برده و بنده خود خواهند کرد و همه آنان را تحت رقیبت و عبودیت خود خواهند گرفت (کاشف الغطاء، ۱۴۱۴ق/ب: ص ۱۹۰).<sup>۱</sup>

حساسیت او به نقش استعمارگرانه انگلیس و آمریکا و دفاعشان از صهیونیسم به حدی بود که به محض اطلاع از انعقاد پیمان نظامی دولت پاکستان با آمریکا، با ارسال نامه‌ای به محمدعلی جناح، نخست وزیر وقت پاکستان از این اقدام انتقاد کرد و با اشاره به اینکه دولت پاکستان دولتی است که به نام اسلام بنا شده و چنین دولتی شایسته‌تر از دیگران به رعایت قوانین اسلام است، افزود: «... شایسته دولت‌های اسلامی مانند دولت شما نیست که با دولت آمریکا هم پیمان

۱. فتوای صادره در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۶۵ق.

شوید و با آنان پیمان نظامی منعقد نمایید، زیرا این پیمان ریشه استعماری دارد و سبب ویرانی و نابودی شما می‌شود، از این که با مسلمانان مخالفت کنیم به خدا پناه می‌بریم، خدا شما را حفظ کند و با دعای مسلمانان یاریتان کند» (کاشف‌الغطاء، ۱۳۳۳: ص ۶۹-۷۰).

هوشیاری، تیزبینی و روشن‌بینی سیاسی کاشف‌الغطاء در همین نامه به نخست‌وزیر پاکستان کاملاً هویدا است. امروز پس از گذشت ده‌ها سال از انعقاد آن پیمان نظامی، روند حوادث این کشور اسلامی در طول نیم قرن اخیر به خوبی گواه صادقی بر صحت گفته‌های ایشان است. براساس این تشخیص بود که او به هنگام تهییج مسلمانان برای حمایت از فلسطین در متن فتوای خود به سال ۱۳۶۶ق بیان کرد که امروز تمام ایمان در برابر تمام شرک مبارزه می‌کند و جنگ‌های صلیبی با زشت‌ترین شکل آن بازگشته و دولت‌های کفر همگی بر اسلام با تمام هویتش چیره شده‌اند» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۰۱ق: ص ۶۴).

وی در نامه معروفش به کنگره بحمدون، «همکاری سران عرب با انگلیسی‌ها» را سرزنش نموده و پیامدهای آن را گوش‌زد کرد که سران عرب پس از پایان همکاری توسط انگلیسی‌ها نابود شده و از قدرت ساقط می‌گردند. به گفته وی، اگر بخواهد چنین مثال‌هایی از رفتار انگلیسی‌ها را با دوستانشان از سران عرب یکجا جمع‌آوری کند، باید بزرگ‌ترین دانشنامه پایان‌ناپذیر را تألیف نماید (کاشف‌الغطاء، ۱۳۳۳: ص ۷۳).

اهتمام او به اتفاق و اتحاد کلمه مسلمانان به حدی بود که یک ماه قبل از وفات خود، در بیمارستان کرخ بغداد به سال ۱۳۷۳ قمری با تلاوت آیات قرآن کریم در باره اعتصام به جبل‌الله، بار دیگر مهم‌ترین نیاز روز مسلمانان را «اتفاق کلمه و وحدت صفوف» آنان، بسان بنیان مرصوص، دانسته و تفرقه و اختلاف مسلمانان را بزرگ‌ترین سلاح استعمارگران، بلکه نورچشم آنان شمرد. فتنه در میان امت اسلامی و شعله‌ور ساختن اختلاف طایفه‌ای را تنها راه چنگ انداختن بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی و عربی توصیف نمود (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۰: ص ۲۱۵).



### ۳-۶. تحریم فروش اراضی به یهودیان

یکی از معضلات ابتدایی مسئله فلسطین، «خریداری زمین‌های کشاورزان فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها» بود. آنان بی آنکه اهداف پشت پرده خود را برملا سازند، به خریداری زمین‌ها پرداختند. بعضی از فلسطینیان هم از روی ساده لوحی یا طمع به مال دنیا زمین‌های خود را فروخته و زمین تسلط دشمن را بر سرزمین‌های اسلامی فراهم ساختند. این مقدار هرچند در مقایسه با سرزمین فلسطین که به اشغال صهیونیست‌ها درآمد، ناچیز بود، زیرا بیشترین عامل تسلط دشمن بر این سرزمین اشغال، قتل، جنایت و اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان بود، اما همین مقدار هم بهانه‌ای در دست آنها بوده و به نوعی یاری دشمن در نیل به اهدافش بود.

کاشف‌الغطاء به این مسأله واکنش شدیدی نشان داده و از علمای اسلام خواست با «تحریم فروش زمین به صهیونیست‌ها» مانع روند رو به رشد تسلط آنان بر سرزمین‌های اسلامی شوند. او در یکی از فتاوایش، حکم شرعی «فروش زمین به صهیونیست‌ها» و فروشندگان آن را پس از برملا شدن اهداف شوم صهیونیست‌ها بیان کرد:

«... آیا هیچ صاحب درک و عقلی شک دارد که فروش زمین‌های سرزمین‌های مقدس به یهودیان، بعد از روشن شدن وضعیت آنان و علنی شدن اهداف و مقاصد سویشان در آواره کردن مسلمانان و نابود نمودن اسلام، که مساعدت آنان و تلاش در این زمینه و حتی رضایت به چنین معاملاتی جنگ با خدا و رسول خداست؟ و آیا جزای کسی که با خدا و رسول خدا محاربه کند و برای نابودی اسلام یاری نماید، چیزی جز آن مجازاتی است که خداوند در کتاب کریمش بدان تصریح نموده است؟ ... پس ای مسلمانان فلسطین! اگر به خاطر خوف از گسترش فساد و هرج و مرج و سلطه ستمگران نمی‌توانید ... حدود الهی را درباره آنان به اجرا گذارید، دست کم به صورت آشکار آنان را از خود دور کنید و از اسلام و حوزه مسلمانان بیرون برانید و در شمار مرتدان قرار دهید و در همه امور از آنان جدا شوید، نه ازدواجی، نه معاشرتی، نه خرید و فروشی، نه مراجعه‌ای و نه سلامی و

کلامی؛ بیمارانشان را عیادت نکنید، مردگانشان را تشییع ننمایید، جنازه مردگانشان را در قبرستان مسلمانان دفن نکنید و در همه جا، مجالس و محافل و روزنامه‌ها و مجلات آنان را به اسم «خوارج از دین» معرفی کنید ... امروز همه می‌دانند که قضیه صهیونیسم و وطن قومی، پیروزی و شکستش در گرو فروش و عدم فروش اراضی به آنها است. اگر باب چنین معاملاتی بسته شود، صهیونیسم فشل خواهد شد انشاءالله» (کاشف الغطاء، ۱۴۱۴ق/ب: ص ۱۸۷-۱۸۸).<sup>۱</sup>

فتوای شیخ به حرمت فروش اراضی فلسطین به صهیونیست‌ها و اقدام مشابه علمای اسلام و آزادی‌خواهان موجی از نفرت بر علیه فروشندگان اراضی را برانگیخت. در فلسطین هر کس زمینش را می‌فروخت، خائن و وطن فروش به شمار رفته و به دست جوانان غیور فلسطین مجازات می‌شد و روزنامه‌ها اخبار آن را منتشر می‌کردند (دفتر جنبش مقاومت اسلامی، ۱۳۸۸: ص ۵۵-۵۶).

کاشف الغطاء برای حل این مشکل، در یک سخنرانی در ماه رمضان، مردم فلسطین را به سه گروه تقسیم کرد. در نظر وی، گروهی از روی ناآگاهی به فروش زمین‌های خود اقدام می‌کنند که اکثریتشان روستانشینان هستند و از حرمت کار خود بی‌اطلاع می‌باشند. گروه دوم که دنباله‌رو یهودیان بوده و آنها را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کنند و از آنان بدترند. گروه سوم که با کمال اخلاص، خون اسلافشان در رگ‌هایشان جاری، و دارای ایمان ثابت، یقین راسخ، غیرت وطنی و دینی‌اند. سپس با مخاطب قرار دادن گروه سوم مسئولیت آنان را بیش از همه توصیف می‌کند. ایشان، از آنان می‌خواهد با «برنامه‌ریزی و تأسیس جمعیت‌ها و تشکّل‌ها» از فروش زمین به یهودیان جلوگیری کنند. اگر انگیزه این معاملات، نیاز مالی روستائیان و کشاورزان است، نیازهای مالی آنان را مرتفع سازند و اگر فریب دشمن را خورده‌اند، از خدعه و نیرنگ دشمن آگاهشان سازند. به عقیده وی مسلمانان نباید در کمک مالی و اقتصادی به برادران فلسطینی خود

۱. فتوای صادره در تاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۵۳ق.

از یهودیان ضعیف‌تر باشند (کاشف الغطاء، ۴۲۷ق: ص ۶۵).

#### ۴. نتیجه‌گیری

کاشف الغطاء از فقهای آگاه به زمانه خویش، قضیه فلسطین و مشکلات پدید آمده برای آن را دارای ابعاد و ریشه‌های مختلفی می‌داند. در دیدگاه ایشان، بعد تاریخی این منطقه که در اصل سرزمین تاریخی اعراب بوده، اولین جنبه مهم مسئله است، زیرا در طول تاریخ، تنها در مقطعی کوتاه و در زمان پادشاهان بنی اسرائیل، یهود ابرهه وارد آنجا شد و سپس به رومیان و بعد از آن به اعراب رسید و اکنون چهارده قرن است که در دست اعراب می‌باشد. از لحاظ دینی و مذهبی، قدس و مسجد الاقصی امانت الهی در دست مسلمانان است و از آنجایی که کاشف الغطاء حفظ و حراست از این اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها را بر هر مسلمانی بلکه بر مردم فلسطین که دل در گرو آیینی الهی دارند، واجب می‌دانست، معتقد بود کسانی که به عبادت خداوند ایمان دارند، در قبال قدس مسئول بوده و باید به خوبی از آن نگهداری کنند. بعد سیاسی - اجتماعی مسئله چنین نمود می‌کند که در نظر وی، فلسطین «قلب جهان اسلام» می‌باشد. به همین دلیل استعمار و صهیونیسم به این سرزمین یورش برده‌اند تا قلب جهان اسلام از لحاظ جغرافیای دینی را هدف قرار دهند و بدین وسیله بتوانند پیکره اسلام را بی‌جان نمایند. بعد بین‌المللی قضیه نیز حائز اهمیت است. «صهیونیسم زائیده استعمار» است، لذا جوانان مسلمان نباید هیچگاه برای نجات فلسطین، دستان خود را به سوی انگلیس و آمریکا که خود عامل این وضعیت هستند، دراز کنند.

کاشف الغطاء آزادی فلسطین را در گرو «توجه حقوق بشری و جهانی به موضوع فلسطین» می‌داند. به همین جهت است که او در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود همه انسان‌ها و نوع بشر را خطاب قرار می‌دهد و از همه آنان برای یاری ملت مظلوم فلسطین دعوت می‌کند. «بیداری امت اسلامی» و توجه به ظلم و ستم روا رفته بر بلاد اسلامی و مسلمانان آن دیار راهکار دیگر شیخ برای نجات فلسطین است. به عقیده وی، «بازگشت به هویت اسلامی» در همه مراحل زندگی و دوری از استعمار و در ادامه «بسیج امت اسلامی» می‌تواند زمینه آزادی قدس شریف را فراهم کند. با توجه به مشکلات ارتباطی آن روز، وی موسم حج را بهترین فرصت برای بیدار کردن مسلمانان

در اقصی نقاط جهان و بسیج آنان برای حمایت از فلسطین می‌داند. در همین راستا بود که ایشان بر حجاج واجب می‌دانست تا بعد از ادای مناسک حج، عازم فلسطین شده و حج خود را با زیارت بیت المقدس کامل کنند. «اتحاد دولت‌های عربی و اسلامی و دوری از استعمارگران» نیز آخرین راهکار این فقیه برای رهایی فلسطین است. کاشف الغطاء یکی از گرفتاری‌های جهان اسلام را دولت‌های عربی و اسلامی می‌دانست که پادشاهان آنان، به خاطر خیانتشان به آرمان فلسطین پیشانی عرب را سیاه کرده‌اند. او از هر فرصتی برای ارشاد، پند و نصیحت و گاهی شماتت آنان استفاده می‌کرد. باور داشت که ریشه درد، «حکومت‌های عربی» است که باید ابتدا آنها را درمان کرد.

## منابع

## قرآن کریم.

۱. دفتر جنبش مقاومت اسلامی حماس (۱۳۸۸). فروش زمین شایعه یا واقعیت؟. تهران: خرسندی.
۲. کاشف الغطاء، محمدحسین (بی تا). نطق تاریخی در کنفرانس اسلامی در کراچی پاکستان در سال ۱۳۷۱ق. ترجمه جلال الدین فارسی. [بی جا: بی نا].
۳. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۶۴ق). نامه به رئیس جمهور آمریکا. مجله غریب الاشرف، شماره ۳.
۴. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۴ق/ الف). خطاب کاشف الغطاء فی احتفال فی النجف بمناسبه تقسیم فلسطین. مجله الموسم، شماره ۱۸: ص ۱۹۱-۱۹۴.
۵. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۹۰). سه سند از علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء. کتاب شیعه، شماره ۳: ص ۲۱۴-۲۲۱.
۶. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۱۴ق/ب). فتاوی کاشف الغطاء. مجله الموسم، شماره ۱۸: ص ۱۸۷-۱۹۰.
۷. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۷۳ق). المحاوره مع السفیرین. نجف: مطبعه حیدریه، چاپ سوم.
۸. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه. قم: نشر تفکر، چاپ دوم، ج ۳.
۹. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ج ۱۵.
۱۰. شرف الدین، سید عبدالحسین (۱۴۲۷ق). موسوعه الامام شرف الدین. تحقیق مرکز العلوم و الثقافه الاسلامیه، قسم احیاء التراث الاسلامی بقم المقدسه. بیروت: دارالمؤرخ العربی.
۱۱. کاشف الغطاء، عبدالحلیم (۱۴۰۱ق). فی السیاسه و الحکمه. بیروت: دارالتوجیه الاسلامی.
۱۲. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۹۷ق). جنه المأوی. با مقدمه و تعلیقات سید محمدعلی قاضی طباطبایی. تبریز: انتشارات شفق، چاپ دوم.
۱۳. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۷۰ق). دائرة المعارف العلیا. [بی جا: بی نا].

۱۴. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۳۳). المثل العليا فی الاسلام لا فی بحدون. ترجمه علی شریعتی. مشهد: [بی‌نا].
۱۵. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۷ق). نامه به جمعیت دفاع از فلسطین در بغداد (پنجم جمادی الآخرة). [بی‌جا: بی‌نا].
۱۶. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۷ق). انذار و تحذیر الی الامه الاسلامیه. مجله آفاق نجفیه، شماره ۲: ص ۳۹۶ - ۴۰۰.